

انکار

روزنامه زینکته و چهارشنبه به پهنتر
و فارسی نشر میشود.

شماره شانزدهم - سال اول

صاحب امتیاز و مدیر مسئولان: فیض محمد (انگبار)
آدرس دفتر جریده: جاده میوند لپا رتیمان نمبر (۲) کابل
نمبر تلفون (۹۲۱۹) آدرس تلگرافی (انگبار)

تا سپتامبر ۹ خورشیدی ۱۳۲۹

یکشنبه ۱ فوریه ۱۳۲۹

مناظری غلام حسن (صافی)

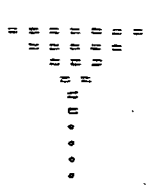
مناظری (بینوا)

با ملت آشنا شوید:

حکومت پاکستان دشمن نام پهنتر است:

در اثنای توقف من در بیستی در سال ۱۹۴۸ - ۱
برای خریداری رخت دیلمی تماوتی به اندوز
که رخت باپ افغان نستان اکثراف در فابریکات
آنجا ساخته میشد رفته بودم اتفاقاً یکسرو
از فابریک داران آن جا گذاشتن نام یک تکه
خاکی که به افغان نستان صادر میشود از من
خواست که در آنجا که آن تکه از لباسهای مختص
افغانها بوده به او گفتم که در صورت پهنتر
کلاس بنویسید از همان وقت که مذکور باین
نام شهرت یافته به لنگها تر برای دیلمی تماوتی
و دیگر موصلات خریداری کردم و بعد از آن
تجار و موصلات افغانی از آن تکه خریداری
و توریید می نمود و لی اکنون که خبر شدم که
حکومت پاکستان آن تکه را محض باین لحاظ
که نام پهنتر بالای آن نوشته مثل جایز
آزادی خوانمان پهنتر ضبط کرده چنانچه
در همین روزهای نزدیک نه گری ان که در
نمبر (۲۸۱) طرف افغان نستان میاید در نور خست
اجازه خروج نداده و صرف کلیه پهنتر
را تحریک پهنتر نستان دانسته اینست
دیگری حکومت اسلامی پاکستان که محض باین
بالاتر تجارت افغانی نموده و احوال آن
و ازین بر نیاید که حکومت پاکستان بخری فراگ
ملت پهنتر و آزادی پهنتر نستان اعلم را به
کلیه پهنتر (پهنتر) نیز است چه این
آزادی پهنتر نستان پهنتر نستان
ز گریک

ملت غیر از آن است که پشت بیزهای لشم پهنتر
در پهنتر کیهای فتر دار تصور میکنند آنانی که
سال یک مرتبه هم بیرون از پهنترهای لوکس در
سرکها بازارها و دجاست قدم رنجه نفرموده
اند و مالیان در از بطوریکه نواخت از خانه
تا دفتر و از دفتر تا خانه جزء شیشه پهنتر
پهنتر اند و پهنتر نستان پهنتر نستان
آرزوهای بیچاره گیها بد بختها و هزاران
فلا که ملت از روی حقیقت خبر شوند تا بداند
که ملت در چه بد حالی و ظالم زیست دارد
البته آنها با دنجان چنان دور قاپ زیاد
دارند که شیشه برای اینکه خاطر مبارک آزره
نشود حرف از درد های ملی بیان نمی آورند
و اگر احیاناً مخاطب بوجود سوال هم واقع
شوند طبعاً از خورستندی و بختیاری ملت
سخن رانده و از اینکه همه افراد ملت بسمود
و برده الحال زیست داشته و از اداره حکومتی
خیلی خوش هستند داستانهای عجیب و غریب
خوار کنند سرزد بطور مثال اگر پهنتر نستان
که پهنتر نستان این ملت چرا پهنتر نستان
خارجی را با از دیار یکی دو صنعت در مشغول در عای دهی
نمود علا و نالان و سینه علم است و پهنتر نستان
آب و خشن لیسان گردد نظریات و پهنتر نستان
و ریاست تد ریاست عبودیه درین باره
روز بروز در روز نماند نشر شده بود آن
لیسه عا تاحدی تطبیق هم شد قابل آن بوده و نوری بود
که ما را به آینده روشن امید و ار ساختن بر ما به مشکل را
بیک مشکل فنزیل میداد اما نمیدانم چرا دانسته آنرا درست
نداده یک تصدات محلیین خارجی دیگری که محلیین لیسان
مصنعتی اند به پول گزاف استخدام شده بوزارت *



بنا علی حسایت الاله

آواز اتحاد به محض نین:

انقای فاضل تره کن بخر ما ید (ما از جوانان اتحاد به ما بقره محصلین تثناء درویم تا سلسله اجتماعات و ایراد کنفرانسهای عقید خود را سر از سر شروع نموده به طرز صحیحتر در بیداری عامه بجهت شده نمایند)

چقدر سرور شدیم چقدر را که از زبان هر فرد ملت میشنیدیم دور و زبانه بلی انکار قرائت نموده - بدانید با اینکه از شنیدن خاموشی و سکوتی اتحاد به ما بقره شدید میثم لیک چه خوشبختی که از هر کسج و کنار هم آشنایی و عهد رندی جوانان بیدار و اتل وطن بگویم بیاید و آن جراحات موثقی که بیکر اتحادیه ما را بجهت هرمانه متوقف گردانیده هر لحظه بهبودی حاصل میسازید و شتابه جوانان اتحادیه محصلین خود به غیر از چند تن مضرضیح و آنک دست دیگران اطمینان کامل داشته باشند هر جا که با شیم هر جا که مستقیم با نقاب دیگری در اتحادیه خود میباشیم ما اتحادیه خود را بهترین عامل تنویر افکار ما بوده و یگانه سبب نهضت و تحول افکار و مضمونات بلی موجوده بیدار نیم اتحادیه ما در مدتها کم تخم حقیقت را در قلوب مردم گاشته و اینک بیوه شیرین آن از زمین حالا حاصل آید داده و آینه بر سر کفخی را در انتظار سرگشته ما در راه اتحادیه تکالیف زیاد دیدیم و شایسته ترین جوانان و بازرگان آنرا از دست دادیم قحطی هرگز به شیمان نیستیم و هرگز تا امید نیستیم اساسی هرگز با ما نشدند بن (۲۶) غریب را که در لیان خارج نیست تا از پیج با ستانی ما میشود هر کدام بنده درین ممتدگه گنگ داران که اطراف محنت یا استثنای ممتدین ما می بودند یا شنیدند و او زبان باشند دیگر میتوان به اندازه کافی تصور از ظاهر التحیلان خارج و ظاهر التحیلان (بقیه در صفحه ۳)

« مسلح که از وحشیه شان حتی زره خاک هم نی لرزید و پوست کارتهای رنگلام سینما بر جبین شان می خندید همه برای توقف ما تعیین شده بودند یک تن از رفقای ما را در مؤثراتشان نیند و ر بودند چندی بعد دیگر را شکار کردند و بردند و ما آنها را با زندیدیم برای توقف ما تعیین شده بودند.

نام گیرک ها شب آمدند و اقارب ما را بردند تعلق ما را این جانب را در حالیکه اطفال را زانو زار میگرفتند - کشان کشان کشان کشانیدند برای توقف ما تعیین شده بودند هفت جوان اتحادیه ما را آنکه آیات قرآن خوانند و اصدق الکلام قرائت نمود آنکه فضیلت آن حضرت ((صلی)) را بیان کردند آنکه آواز وحدت بلی را در سالسون بختر ساخت آنکه بر خائنین خورده گیری نمود آنکه ندای حق بلند کرد هر کدام را نده شدند و تا امروز از کشتار کن تا وان جنگ (تاء دیه خچ مکتب وفا گرفته) آسوده نشده اند همه و همه برای توقف ما تعیین شده بودند لیکن این همه و همه کفایت نبود که ما را متوقف گردانند و شایسته خم آبرو هم نصیب کردیم بگر گلوله که خوب به هدف خورد و ما را بدین روز کشانید همانا اسانها بود که مقامات صلاحیت دار آنرا تصویر و به نشر آن پرداختند که همه از آن اطلاع دارند و به صریحاً گفتند یا این اسانها ما را قبول کنید و یا اینکه تا بود میشود خوب ما چه باید بیکر دیدیم؟ قبولی یا تا بودی بجا بودی که هنوز وقت است... بر ای درد متدا شیری و شاکه چشم این جوانان خود دارید از بیم که ما کنین کا بل حتی تمام شویم و یا تا کمال غمخیزی درین اندوه دارند یا در روزی کار آفرین فاجعه نامه را بمن میفرستند

بیتانند و ما بقره میروند
 بوسیله پیوسته توالنه بمن میروند

بنیادین میر مسیّد (گلپین)

بخوان و نگر بزن :

بنیادین (چکوره)

اسرار تاوه های پرتده افش میشود :

آمریت یعنی چه ؟
 آمریت در دنیا ی دیگران مفهوم طحدهء دارد
 و در دنیا ی ما مفهوم طحدهء !
 در دنیا ی دیگران آمر کسی را گویند که وظیفه اش
 مهمتر - مسئولیت اش بیشتر و جوابده اعزاز و -
 اجراءات خود و کتلهء زیر دست خود باشد اما
 در دنیا ی ما وقتی شخصی به مرتبه و چوکی آمریت
 نایل میشود وظیفه اش کم مسئولیت اش سبک و بار
 او نیز بر بار زیروستان بیچاره افزا میگردد
 در دنیا ی دیگران وظایف کوچک و آجی را ما مورین
 بدان مرتبه از قبیل کاتبان و غیره انجام دادند
 و وظایف مهم و منکین خصلت به آمرین سپارند
 اما در دنیا ی ما برعکس تمام وظایف را کاتبان و -
 سر کاتبان و بقرض بحال بعضی مابورها انجام
 میدهند و آمرین محترم جزء يك امضاء آپس
 بدون مسئولیت دیگر کاری ندارند در دنیا ی
 دیگران شخصاً آمرین یا احصاء مسئولیت در امور
 تمسق میکنند و مسائل و مشکلات را حل و فصل
 مینمایند اما درین جا هر چه يك کاتب نوشته
 بد بر صاحب و هر چه بد بر صاحب نوشته آمر
 صاحب صلاحیت دارد امضاء و دستخط میفرمایند
 دنیا غرقه اجراءات از عهد سلب شده و گاهی
 بر سر يك موضوع کوچک بین دو اداره به صدا
 کوب و بلا بر حسب رد و بدل میشود یکی میگوید
 آستبانه کرده شن دیگری میگوید ببخشید که شما
 اشتباه کرده اید و یا لاخیره بدون اینکه طست
 و شمول معلوم شده باشد موضوع از بین میرود
 تعظیفات که در روزگور فهمیده شده نمیتوانند شما
 اساسی بد بر صاحب به آمر صاحب بزرگ عرض
 لیسان خارج بر صاحب پس نظر به بد بر صاحب
 یند درین میخواهند شما عرض ترفیع کنید آمر
 یا متنسای مکه بشارش همیشه کی و یا بیست روزه
 زبان باشند دیگر میتوان به اندازه کافی مصلحت از
 خارج التحیلان خارج و تار التحیلان (بقیه در صفحه ۲)

خبیر مخصوص عرچنین میر ساند نو از ی يك قاب تاوه
 در هر کز که جنسیت ما ختمان آن را پوره ندانسته
 از استقامت کشور طلسمات که مستحرمه یگه از پوره
 گوه قافه است چرخك زنان به شهر غلظه سرازیر
 شده و خوشبختانه صحیح و سلامت بدست آمده
 محققى كشف کرده که تاوه مذکور منکن در اشیر
 قصابیات جوی و بر قك هواش که بلسان پمپنتر
 (بریمینا) میگویند از مسیر خود انحراف جسته
 است تخصص دیگر کلید اسرار آن را پیدا نموده
 و همینکه چند بار او را گوشمال داده و باسوزن
 ممین د که داده شود به چرخ زدن سریع
 آغاز و حوق حوق کنان در مقابل دستگاه مهور آمیز
 کسوفن (مکروفون) صدا های از خود بیرون
 بخش می کنند يك عالم فقه اللغه دریافته
 که این صدای حق و حوق از مشتقات کلیه حقوق
 است متمم اجتماعات حدس میزند که در
 محیط هفتمین پرتده قافه منکن آشوبی برپاست
 و گروه عظیمی از نوع لطیف آن اسیر دیوایا طیل
 گردیده که به وسیله ارسال این بشقاب خواسته
 اند صدای ناتوانی و بد بختی خود را بگوشی
 عالم بشریت رسانیده و امداد بخوانند

طوری که خیر گرفتیم عریضه مردم قند ها را که
 خمری امور مصارف آن ولا بوده به وسیله چند نفر
 وکیل خود کتابچه و زیر مصارف تقدیم و از طرف وزیر
 حوصوف وعده داده شده است که بعد از امتیاد
 مقام صلاحیتدار در امور خیری و ائده مرحومه ام برایم
 انگار به توجه وزیر خیری و ائده مرحومه ام برایم
 ولایت قند ها را بشیرم که ما کنسین کابل حق تمام

اشمل غمشز یکی درین اندوه دارند
 کابل :
 تو فائحه نامه را بمن میفرستد
 بر سیه پستینو
 از که بمن میفرستد
 ز